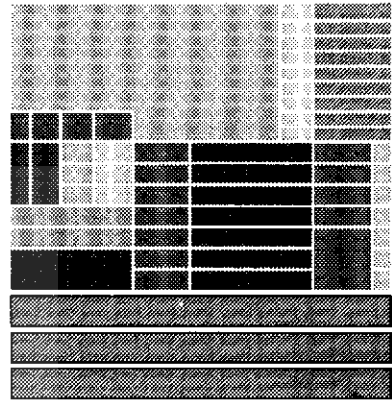


مقالات اقتصادی



آشنائی کوتاه با ساختارهای اقتصادی ایران

ژوئیه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه

ما براین باوریم تا یکدیگر را بخوبی نشناسیم نمیتوانیم از امکانات یکدیگر برای توسعه داد و ستد و همکاریهای اقتصادی و فنی و سرمایه گذاریهای مشترک استفاده مطلوب بنمائیم. این شناخت در عصر انفجار اطلاعات الزاماً میباید متکی بر آمار و ارقام قابل اعتماد و رسمی باشد.

از این رو گزارش مستند آماری زیر که با استناد به آمار منتشره از سوی مرکز آمار ایران تهیه شده بعنوان اولین گام در این راه تقدیم میشود به امید آنکه در آینده، در قالب بحثهای مستقل این روند را دنبال کنیم تا سیمای واقعی اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران را در اختیار

علاقتمندان قرار داده باشیم.

مساحت موقعیت جغرافیایی و

وضع جوی

کشور ایران با ۱۶۳۰۵۶۹ کیلومتر مربع مساحت از نظر موقعیت جغرافیائی در حداکثر ۶۳ درجه و ۲۰ دقیقه و حداقل ۴۴ درجه و ۱۴ دقیقه طول شرقی و بین ۳۹ درجه و ۴۷ دقیقه و ۲۵ درجه عرض شمالی واقع شده. و اینک علاوه بر مرزآبی با ۷ کشور جهان هم مرز است طول کل مرزهای ایران ۸۷۳۱ کیلومتر است که به این ترتیب تقسیم بندی شده است :

مرز ایران و عراق به طول ۱۶۰۹ کیلومتر مرز ایران و ترکیه ۴۸۶ کیلومتر - مرز ایران و ارمنستان ۴۰ کیلومتر - مرز ایران و افغانستان ۹۴۵ کیلومتر - مرز ایران و پاکستان ۹۷۸ کیلومتر بعلاوه مرز آبی شمالی ۶۵۷ کیلومتر و مرز آبی جنوبی ۲۰۳۳ کیلومتر است. کلیه مرزهای ایران بموجب قراردادهای دوجانبه که به تائید سازمان ملل رسیده تثبیت شده است و بنا بر این ایران در عمل با هیچ کشوری اختلاف مرزی ندارد. ایران امروزه - ۲۵/ استان ۲۳۶ شهرستان - ۶۳۰ بخش ۵۷۸ شهر و ۲۱۸۳ شهرستان دارد.

حداقل درجه حرارت ثبت شده در سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۳) مربوط به اردیبهیل با ۲۴/۲ درجه زیر صفر و بعد از آن شهرکرد

با ۱۶/۶ درجه زیر صفر (برمقیاس سانتیگراد) ثبت شده و حداکثر درجه حرارت در تابستان سال مذکور مربوط به شهرهای اهواز - بوشهر و بندرعباس - به ترتیب ۴۸/۸ و ۴۸/۶ درجه و ۴۶/۴ درجه سانتیگراد بالای صفر بوده است. بالاترین میزان بارندگی کشور مربوط به شهر رشت در حاشیه بحر خزر با ۱۶۸۵ میلیمتر و کمترین آن مربوط به شهر یزد و ۲۱۱ میلیمتر بوده است. در دودشت وسیع کویرگاه در چند سال پی‌پی حتی یک قطره باران نیز نمی‌بارد. و در پارهای نقاط همهٔ باران سالانه طرف دو یا سه روز پی‌پی می‌بارد و به مزارع و محصولات کشاورزی صدمات جبران ناپذیر وارد میکند. اینک چندین سال است بعثت تغییر هوای کره زمین آب دریای خزر در نتیجه آب شدن یخهای قطبی بالا می‌آید و به مناطق آباد و سرسبز شمال کشور لطامت بسیار وارد میکند. رطوبت نسبی هوا در ساعات اولیه روز و نیم ساعت بعد از ظهر در نقاط و فصول مختلف بین ۹۵ درجه تا ۲۱ درجه در تغییر است. ماههای تیر - مرداد و شهریور گرمترین ماههای سال و آذر و دی و بهمن سردترین ماههای سال هستند. حجم آب حاصل از ریزش در حوزه‌های آبریز کشور در سال ۷۲-۷۱ (۹۳-۹۲) در کل کشور برابر ۵۷۹/۳ میلیارد مترمکعب محاسبه شده است که به این شرح تقسیم شده بود: حوزه آبریز دریای خزر ۸۱/۸۸ میلیارد مترمکعب - حوزه خلیج فارس ۲۴۷/۷۲ میلیارد مترمکعب - حوزه دریاچه ارومیه (در شمال شرق کشور) ۲۹/۱۲ میلیارد مترمکعب - حوزه مرکزی ۱۹۱/۰۷ میلیارد مترمکعب - حوزه هامون (در شرق ایران) ۱۴/۸۱ میلیارد مترمکعب و حوزه سرخس (در شمال شرقی ایران) ۱۴/۷۷ میلیارد مترمکعب. باید توجه داشت که از سال ۶۸-۱۳۶۷ (۸۹-۱۹۸۸) تا سال ۷۲-۱۹۷۱ (۹۳-۱۹۹۲) بطور مرتب بر نزولات آسمانی در ایران افزوده شده است.

برای جلوگیری از آفت سیل و استفاده مفید از آب باران - که برای کشور ما همیشه جنبه حیاتی داشته در برنامه عمرانی پنجساله اول که سال قبل به پایان رسید سدها متعدد ساخته شده که از آنجمله از سد ۱۵ خرداد در نزدیکی شهر مقدس قم میتوان نام برد. هم‌اکنون ۳۰ سد جدید در کشور در دست احداث است که انتظار می‌رود با اجرای این برنامه عظیم از هدر رفتن آب شیرین گرانبها جلوگیری شود و این ثروت خدادادی مصروف کشت و زرع و آبادانی و عمران کشور گردد.

جمعیت

جمعیت ایران که در قاصه ۱۱۴ سال تا ۸۴ سال قبل

سالانه رشد متوسط سالانه ۶ در هزار داشت از آن پس برای ۴ دوره پنجساله، به رشد متوسط سالانه ۱۴ درصد رسید. در سال ۱۳۳۰ یعنی ۴۴ سال قبل رشد جمعیت به ۲۹ در هزار رسید. برنامه کنترل جمعیت بعداً به مورد اجرا گذاشته شد که برای مدت کوتاهی متوقف شد، لیکن اینک دوباره چند سالی است با اجرای کمکهای بهداشتی - رایگان و راهنمایی و تبلیغات صحیح برنامه کنترل جمعیت با دقت پیگیری میشود. جمعیت کشور بر اساس آمار نیمه سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱) معادل ۵۵۸۲۷۱۶۳ نفر بود که برای سال جاری رقمی متجاوز از ۶۳ میلیون نفر تخمین زده میشود. جمعیت ایران یک جمعیت جوان محسوب میشود و در این میان بالاترین گروه سنی جمعیت را گروههای سنی



می‌برند. تا همین چندی پیش افزایش شهرنشینی نشانه‌ای از تمدن و پیشرفت اقتصادی محسوب میشد. اما صادقانه بگویم، ما چنین نمی‌اندیشیم و به همین جهت در برنامه دوم عمرانی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور اولویت را به امور کشاورزی دادیم. منتهی ما تلاش داریم امکانات مثبت شهر را به روستا بیاوریم و از سرایت اثرات زیانبار شهرنشینی جلوگیری کنیم. این اولویت به هیچ وجه به معنی قربانی کردن صنعت و دیگر رشته‌های فعالیت اقتصادی نیست، بلکه تلاش جمهوری اسلامی ایران اینست که دارای کشاورزی صنعتی شده پیشرفته‌ای شود. از همین روست که فی‌المثل صنایع تبدیلی کشاورزی تا مرحله تهیه کالاها قابل عرضه در قروشگاهها در رشته‌های مختلف وابسته به کشاورزی مورد توجه قرار گرفته است. در برنامه مورد بحث توجه به ارزش افزوده تولیدات کشاورزی و نیز تهیه کارهای جانبی برای بردن اوقات بیکاری کشاورزی و بالا بردن درآمدهای آنها و ایجاد برنامه‌های تفریحی و سرگرمی بنحوی که از مهاجرت بی‌رویه آنها به شهرها تا حد امکان بکاهد، پیش‌بینی شده است. ما امیدواریم اجرای برنامه‌های صحیح آبیاری که از آن سخن گفته شد نیز بتوانند در این راه سودمند واقع شود و زیرساخت‌ها در حاشیه کویرهای بزرگ ایران بسیاری از روستاها بعثت بی‌آبی و پیشرفت بیابان و شور شدن زمینها سرزمین آباد و اجزای خود را ترک گفته، به شهرها روانه‌دهند.

اگر قبول کنیم که دشواریها برای از بین بردن بوجود می‌آیند، میتوانیم بگوئیم مردم کشور ما و خاصه نسل جوان کشور آن نیست که شب و روز با دشواریهای طبیعت خشن کشورمان مبارزه کنند و در این نبرد بی‌امان پیروز شوند.

نیروی انسانی و اشتغال

بر اساس آمارگیری سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱) جمعیت ۱۰ ساله به بالای کشور ۳۸۶۵۵۰۰ نفر احصاء شده اند که از این رقم تعداد ۱۴۷۳۷۰۰ نفر از نظر اقتصادی فعال بحساب آمده‌اند. از تعداد افراد فعال ۱۳۰۹۷۰۰ نفر آنها شاغل و ۱۶۴۰۰۰۰ نفر بیکار (یادرجستجوی کار) بوده‌اند. تعداد جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی جمعاً برابر ۲۳۴۸۲۰۰ نفر بوده اند که از این رقم تعداد ۹۴۹۰۰۰ نفر محصل ۴۵۴۰۰۰ نفر بازنشسته ۱۲۰۹۵۰۰ نفر خانه‌دار و ۱۴۴۳۰۰۰ نفر وضع خود را از نظر اشتغال روشن نساخته‌اند. جالب اینست که بیکاری در بین مردان هم در شهرها و هم در روستاها به مراتب بیشتر از مردان است. (در این ارقام

بین ۵ تا ۹ سال و پس از آن بین ۵ تا ۱۵ سال و درجه سوم را افراد بین ۱۴ تا ۱۰ سال تشکیل میدهند که این سه گروه سنی ۴۱/۶۵ درصد جمعیت کشور را تشکیل میدهند. شما میتوانی تصور کنید که این جوانان مصرف‌کننده فزونی طلب هستند - در عین حال آموزش و پرورش و مراقبتهای ویژه پزشکی و اجتماعی میخواهند و به علاوه هر سال گروهی از آنها وارد بازار کار میشوند که باید برای آنها شغل تهیه شود. میتوانی شمهای از دشواری کار برنامه ریزان کشور را از همین امر دریابید یک مسأله راهم که نباید نادیده گرفت اینست که قسمت عمده‌ای از جوانانی که میخواهند وارد بازار کار یا حتی تحصیلات عالی شوند روستاها را ترک گفته به سوی شهرها روی می‌آورند و درصد شهرنشینی را بالا

در زمینه نباتات صنعتی آمار سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۳) در دست
و شرح زیر است:

چغندر قند	۵۴۰۸۰۰۰	تن
نیشکر	۱۸۵۸۰۰۰	تن
پنبه	۲۹۰۰۰۰	تن
توتون و تنباکو	۲۰۰۰۰	تن
چای	۳۰۷۰۰۰	تن

محصولات عمده دامی در بعضی از سالها به این شرح بوده
است:

تخم مرغ (در سال ۱۳۶۹=۱۹۹۰)	۳۳۶۲۹۶	تن
مرغ پرورشی	۳۶۰۱۰۱	تن
شیر (در سال ۱۳۷۲=۱۹۹۳)	۴۲۸۱۰۰۰	تن
گوشت قرمز	۶۴۲۰۰۰	تن
گوشت مرغ	۵۶۰۰۰۰	تن
تخم مرغ	۴۵۰۰۰۰	تن
صید و تولید انواع ماهی	۳۶۸۸۸۸	تن
خاویار	۲۱۷	تن

بطور کلی ارزش افزوده بخش کشاورزی - شیلات
و جنگلداری به قیمت‌های سال ۱۳۶۱ معادل ۳۳۵/۶
میلیارد ریال بوده است که زراعت بالاترین سهم را در این
رغم داشته و پس از آن دامپروری و شکار بوده است.
بدنیست بدانیم که در سال ۱۳۷۲ دولت در امر توسعه
کشاورزی و منابع طبیعی مبلغ ۵۰۲ میلیارد و ۷۵۸ میلیون
دلار پرداخت کرده است. در سال ۱۳۷۱ تعداد ۱۲۲۹ شرکت
تعاونی کشاورزی با ۲۱۵۳۳ عضو و ۳ میلیارد و ۵۱۷ میلیون
ریال سرمایه، فعال بوده‌اند.

معادن

باید صادقانه اعتراف کنیم که معادن ایران، غیروانگشت تا
این اواخر که معادن مس نیز مورد توجه قرار گرفت، بابتی
اعتنائی دولت و بخش خصوصی روبرو بود. موضوع چندان
دور از انتظار نیست. شرکت نفت انگلیس و ایران که متجاوز
از نیم قرن انحصار مطلق اکتشاف - استخراج و بهره‌برداری
از نفت ایران را در اختیار داشت، برای بهره‌برداری از تیرروی
انسانی ارزان میکوشید تا سطح اشتغال در کشور پائین
بماند. به این ترتیب نه فقط دیگر معادن مورد بی‌مهری
قرار گرفت، بلکه کشاورزی در مناطق جنوبی کشور نیز
به ناپودی تهدید شد و بسیاری از زمینهای زیرکشت رفته
رفته به شوره‌زار تبدیل شد.

اما در این اواخر، خاصه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با

زراعت در ایران پیشرفت نداشته. خاصه آنکه کشاورزان
ایران سالها فاقد زمین بوده و برای خان یا مالک کار
و در حقیقت بردگی میکردند و به هیچوجه مایل به تجدید
گذشته‌های تلخ نیستند. این وحشت و نگرانی - که ریشه
تاریخی دارد - در عین حال سبب شده که از زمین اندک
خوبش بهره کمی ببرند و استفاده از ماشین آلات و ابزار
کشاورزی گرانقیمت برای آنها میسر نباشد. اینک دولت
میکوشد تا از طریق یک کار فرهنگی و تبلیغی صحیح
ضمن احترام به اصل مالکیت، کشاورزان را تشویق به
همکاری بیشتر و کشت یکدست محصولات در اراضی
مستعد سازد تا بتوان از ماشین آلات کشاورزی با سیستم
آبیاری مدرن و یک دست استفاده نمود و بهره کار را بالا
برد.

محصولات عمده کشاورزی

در اینجا بدنیست پارهای از محصولات عمده کشاورزی
و حجم تولید آنها را در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱) که آمار آن
در دست است ذکر کنیم: (خوب است در نظر داشته باشیم که
در آن سال جمعیت ایران برابر ۵۵۸۲۷۱۶۳ نفر بوده است).

گندم	۷۷۹۶۰۰۰	تن
جو	۲۸۱۷۰۰۰	تن
برنج	۱۷۵۱۰۰۰	تن
حبوبات	۴۳۸۰۰۰	تن
محصولات جالبیزی	۱۲۳۰۰۰۰	تن
انواع علوفه	۴۱۰۲۰۰۰	تن
سیب	۹۳۳۰۰۰	تن

ارقام مربوط به

سال ۱۳۶۷ است)

پرتقال	۴۰۹۰۰۰	تن
نارنگی	۱۲۵۰۰۰	تن
زرد آلو و قیسی	۱۵۵۰۰۰	تن
آلو و گوجه	۱۱۸۰۰۰	تن
بادام	۴۴۰۰۰	تن
گردو	۵۵۰۰۰	تن
پسته	۴۵۰۰۰	تن
خرما	۱۷۲۰۰۰	تن
انار	۲۹۷۰۰۰	تن
انگور	۸۶۱۰۰۰	تن
چای	۱۶۲۰۰۰	تن

بیکار به کسی گفته میشود که در جستجوی کار باشد
و کار مناسب خود را بدست نیاورده باشد (آمار نشان
میدهد که بالاترین رقم بیکاری را جوانان بین ۱۵ تا ۲۴
سال تشکیل میدهند و این در ضرورت تأمین شغل
رایصورت یک امر فوری برای جوانان جلوه گر میسازد
زیرا بیکاری همراه خود مفاسد اجتماعی بی شماری
می آورد. در نقاط روستائی جوانان ۱۵ تا ۱۹ سال بیشترین
درصد بیکاری را دارند و در نقاط شهری جوانان ۲۰ تا ۲۴
ساله. علت هم روشن است در شهرها جوانان گروه سنی اول
بیشتر مشغول به تحصیل هستند و گروه سنی دوم تازه وارد
بازار کار شده و در جستجوی کار هستند. هم در شهرها و هم
در روستاها کمترین تعداد بیکاری را دو گروه سنی مجزا
تشکیل میدهند. گروه سنی ۴۵ تا ۴۹ ساله و گروه سنی ۶۰
تا ۶۴ ساله. عده ای از کارشناسان اجتماعی گروه ذکر شده
اول را بهترین و ترین کارگران تجربه دیده میدانند و گروه دوم
را بهترین تجربه ترین و کارآمدترین گروه کاری محسوب میدارند
و بهمین جهت است که تعداد بیکاری در بین این دو گروه
در حداقل قرار دارد. مضافاً اینکه کارشناسان امور اجتماعی
عقیده دارند بطور کلی از ۴۰ سالگی به بعد چون امید یافتن
شغل جدید برای شاغلان کاهش مییابد کارکنان نسبت به
حفظ شغل و مقام خود حساسیت بیشتری بخرج میدهند.

رشته های شغلی

از کل نیروی انسانی شاغل، تعداد ۳۲۰۵۰۰۰ نفر
آنها در کشاورزی، دامپروری، شکار، جنگلداری و ماهیگیری
کارمیکرده اند که پس از خدمات عمومی، اجتماعی
و شخصی بالاترین درجه اشتغال یعنی ۲۴/۵ درصد کل
اشتغال را بخود اختصاص داده است. طبیعی است که عمده
اشتغال در این رشته‌ها در روستاها صورت گرفته است.
اشتغال در خدمات برابر ۲۶/۹ درصد کل سطح اشتغال
را بخود اختصاص داده و صنعت مجموعاً رقم ۲۷/۶ درصد
اشتغال را در بر گرفته است.

کشاورزی

از کل ۳۳۲۶۰۰۰ بهره بردار کشاورزی در سال
۱۳۷۰ (۱۹۹۱) تعداد ۵۰۷۰۰۰ نفر آنها بدون زمین
و تعداد - / ۲۸۲۰۰۰۰ نفر آنها دارای زمین بوده اند.
کشاورزان ایران حتی اگر زمین بسیار کوچکی داشته باشند
ترجیح میدهند بطور مستقل کار کنند و به این ترتیب کشت
مشارکتی یا تشکیل شرکتهای زراعی و مؤسسات عمومی

اشکار شدن اینکه ذخایر نفتی عمری چندان طولانی نخواهد داشت، توجه به دیگر معادن کشور افزایش یافت. در برنامه اول توجه خاصی به امر بهره‌برداری از دیگر معادن کشور - غیر از نفت و گاز - معطوف شد، که اگرچه از هدفهای تعیین شده فاصله داشت، معهدا پیشرفت محسوسی در این امر مشهود گردید و نشان داد که اگر کار معادن غیر نفتی به درستی پیگیری شود، میتواند جایگزین نفت شود.

بر اساس آمار سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) کل شاغلان در معادن غیر نفتی به رقم ۵۰۱۹۷ نفر رسید که از این عده، تعداد ۲۲۵۰۸ نفر آنها کارگران ماهر - ۱۵۴۹۰ آنها کارگر غیر ماهر و ۱۱۱۹۶ نفر آنها کارمندان اداری بوده‌اند. ارزش کل تولیدات عمده معادن در سال مورد بحث بشرح زیر بوده است:

ارزش کل تولیدات معدنی (غیر از نفت و گاز)

مواد وابسته به آنها)	میلیون ریال
زغال سنگ	۵۸۱۸۵۳
سنگ آهن	۱۱۰۴۶۶
سرب و روی	۴۰۷۹۸
مس	۳۰۶۸۳
کرومیت	۸۱۵۳
منگنز	۱۶۷۸۶
بوکسیت	۱۵۱۱
سنگهای لاشه ساختمانی	۲۷۹۶
سنگ آهن	۱۰۶۸۴۱
خاک سرخ	۷۷۷۴
کائولن و خاک نسوز	۵۰۱
شن و ماسه	۱۱۱۹۲
نمک	۱۰۱۳۸۷
سیلیس	۴۱۹۷
سنگ گچ	۷۴۱۳
	۱۳۲۰۴

بطور کلی در سال ۱۳۷۱ تعداد ۲۰۴۳ معدن در کشور در حال بهره‌برداری بوده اند که ۶۵۱ واحد آن عمومی و ۱۳۹۲ واحد آن خصوصی بوده است.

نفت و گاز

از نظر اقتصادی، پازیرترین مشخصه ایران داشتن منابع عظیم نفت و گاز و اخیرا ایجاد مجتمع های بزرگ پتروشیمی است که ارزش افزوده این فرآورده ها را

به مقیاس بسیار زیادی افزایش میدهد. متأسفانه نفت برای اقتصاد ما همیشه سودمند نبوده، بلکه درآمد سهل آن از یک سو، سلطه بیگانگان و طمع سیر نشدنی آنها در مورد نفت از سوی دیگر و اعمال سیاستهای استعماری سلطه بر این منابع گرانبهای بدون چانشین سبب شد که از رشته‌های اصلی و کلیدی و استراتژیک کشورمان غافل بمانیم تنها درسالهای اخیر است که تز اقتصاد بدون نفت در کشور ما طرح شده البته این نظریه به آن معنی نیست که مادرچاههای نفت خود را به بندیم، بلکه فرض اینست که اقتصاد غیر نفتی خود را آنقدر پیشرفت بدهیم که اگر روزگاری نفت ما بیاپان برسد (که دوره آن چندان دور نخواهد بود) بتوانیم یک زندگی قابل قبول و در سطح زندگی قابل قبول امروز مردم جهان، دنبال کنیم.

در سالهای ۱۹۷۳ و ۷۴- که ناگهان قیمت نفت چند برابر شد و نیز تحریم نفتی اعراب علیه کسانیکه در جنگ علیه اسرائیل به آن کشور کمک کرده بودند، دنیا ی غرب را تکان داد و این شوکهای نفتی که بابتروز انقلاب اسلامی ایران برای مدت کوتاهی قیمت جهانی نفت را به بالاترین حد ممکن حتی تا ۳۹ دلار برای هر بشکه رسانید، غرب را وادار به مقابله جدی با اوپک ساخت. اولین گام وارد کردن نفت در بورس جهانی و تعیین قیمت نفت بر اساس عرضه و تقاضای واقعی بود. اما این عرضه و تقاضای واقعی یک لفظ ظاهری بیش نبود بلکه معاملات روزانه بورسهای معروف جهان با خرید و فروشهای واقعی و فیزیکی نفت تفاوت بسیار دارد. برای اینکه بتوان بازی روی قیمتها را انجام داد، غرب به ذخیره سازی استراتژیک نفت بمصرف ۲ ماه تا ۴ ماه (بسته به کشورهای مختلف) دست زد. این ذخایر یا در معادن متروکه زغال انباشته شد - یا در مخازن - یا در چاههای متروکه نفت و یا در روی نفتکش ها و بصورت آماده تحویل - اینگونه بود که در جنگ تجاوز کارانه ۸ ساله عراق علیه ایران و در جنگ تجاوز کارانه عراق علیه کویت و در دیگر بحرانها مانند بحران الجزایر یالایی یا مصر قیمت جهانی نفت بجای آنکه ترقی کند به پائینترین قیمتهای ممکن رسید و کشورهای نفت خیز که به پول تیاژ داشتند ناچار شدند محصول بدون چانشین خود را به ثمن بخش بفروشند.

جنگ هشت ساله، به صنایع نفت کشور لطمات بسیار وارد کرد. اما با تلاش جهادگونه کارکنان صنعت نفت ملت ایران توانست خیلی سریع ویرانیهار آتامین کند برنامه‌هایی که هم اکنون در دست اجراست مژده میدهد که بزودی رقم تولید پیش از انقلاب و جنگ را پشت سر خواهیم گذاشت.

خریداران عمده نفت خام امریکادر ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) برحسب هزار بشکه در روز به شرح زیر بوده‌اند: مقدار (هزار بشکه در روز)

کانادا	۷/۹
فرانسه	۱۱۴/۳
آلمان	۱۸/۱
ایتالیا	۲۱۴/۸
هلند	۲۰۶/۸
انگلستان	۳۱/۳
ژاپن	۹۳۸
افریقا	۳۵
اقیانوسیه	۲/۱

در خاتمه این بخش بی مورد نیست وسیله حمل و نقل فرآورده‌های نفتی و مقدار حمل شده را در سال ۷۲ (۱۹۹۳) توضیح دهیم:

خط لوله	۱۴۴۴۱ میلیون تن کیلومتر
راه آهن	۱۸۵۶
حمل از طریق جاده	۵۵۰۱
حمل از طریق دریا	۱۴

و بالاخره با بحث کوتاهی در مورد تولید و مصرف گاز طبیعی، این بحث را خاتمه میدهم و در شماره آینده بحث مستقلی را مورد چند عامل اساسی دیگر اقتصاد کشور ادامه میدهم تا خواننده راهر چه بیشتر در جریان ساختارهای اساسی اقتصاد ایران امروز قرار دهیم.

در حقیقت گاز طبیعی ایران که پیش از انقلاب از طریق خط روزانه لوله مقادیر هنگفتی به کشورهای سابق اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی صادر میشد، پس از انقلاب دچار وقفه شد، خاصه آنکه در جنگ هشت ساله تجاوز کارانه عراق علیه ایران شوروی سابق نیز مانند دیگر کشورهای استکباری به متجاوز کمک میکرد. پس از جنگ و متجاوز شناخته شدن عراق از سوی سازمان ملل و همزمان با تحولات عمیق در شوروی سابق که منجر به نابودی کمونیسم جهانی و روی کار آمدن دولتهای مستقل از آن اتحاد مصنوعی، مذاکرات برای صدور مجدد گاز به روسیه فدراتیوا آغاز شد. همزمان بعضی همسایگان جدید نیز اظهار تمایل به خرید گاز ایران و یا صدور گاز خود از طریق خط لوله از داخل خاک ایران نمودند که زمینه‌های تازه همکاری را نشان میدهد و همین این نکته است که آینده این کشور از این نقطه نظر نیز میتواند امید بخش باشد.